

## بیانیه اقتصادی جبهه ملی ایران:

### نتیجه خودکامگی و خفقان

### رواج فساد و فقر و سقوط اقتصاد ملی بوده است

از زمان روی کار آمدن دولت کنونی (سال ۱۳۸۴) کلیه متغیرهای سیاسی - اقتصادی و اجتماعی در ایران سیر منفی پیدا کرده است. حاصل این سیر نزولی، تشدید فشار یا هم افزایی اثرات منفی آن بر سایر متغیرهای مهم و حیاتی زندگی ملت ایران بوده که بازتاب جهانی داشته است. سقوط اقتصاد ایران در مقیاس جهانی، به معنای سقوط امکانات و توان کشور در رویارویی با عوامل منفی داخلی و منطقه ای و در برابر قدرت های زورگوی جهانی است.

با توجه به رویدادهای از دو انتخابات گذشته، که دستکم در ۱۵۰ کشور و یکصد سازمان سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جهانی ثبت شده و حاصل آن قطعنامه های متعدد در محکومیت حکومت ایران بوده است، فقط می توان نتیجه گیری کرد که دولت کنونی و دست هایی که آن را بر قدرت نشانده و نگاه میدارند، کوشیده اند با ضربه اختناق، ایجاد وحشت، اعمال زور و حتی ارتکاب قتل و تجاوز علیه افراد و گروه های مبارز و فعال اجتماعی و سیاسی (کارگران، زنان، دانشجویان، افراد و احزاب ملی، شخصیت های سیاسی دگراندیش، اقلیت های مذهبی و قومی، روزنامه نگاران، صاحبان و مدیران رسانه ها، استادان و دانشگاہیان) برای خود آزادی عمل در انتصابات و به دست گرفتن ار کلق قدرت (مانند وزارتخانه ها، مجلس، ادارات کل، ادارات شهرستانها، شرکتهای بزرگ دولتی، تا پائین ترین سطوح اداری) پیدا کنند و باین آزادی عمل و اعمال قدرت ظاهری، افزون بر غارت اموال عمومی و ثروت های ملی (به ویژه درآمدهای صدها میلیارد دلاری سالانه نفت) خط سیر فعالیت اقتصادی عادی و روزانه مردم را نیز در راستای منافع دراز مدت خود تغییر دهند (ایجاد انحصارات و کارتلهای قدرتمند حاکم بر بازار پول و سرمایه، دادن مجوزهای فله ای بانکداری به صندوق های ظاهراً "قرض الحسنه" و پذیرش خطرات خلاقکارهای آنها، شبکه توزیع کالاهای استراتژیک و حتی نیازمندیهای همگانی). امروز، نه تنها شخصیت های خاص بلکه مردم عادی هم از مافیای رباخواران، مافیای فعال در قوه قضائیه، مافیای منابع طبیعی و انفال صحبت می کنند و در هر شهر و روستا کسانی پیدا می ش وند که با وابستگی به مراکز قدرت در حال کارچاق کنی برای دیگران در برابر گرفتن پول هستند. به این ترتیب، کل روند زندگی عادی مردم مختل و به فساد آلوده شده است.

حربه دیگر دولت کنونی برای پیدا کردن آزادی عمل در راستای هدفهای ذکر شده، از بین بردن ضوابط حقوقی و قانونی و سازمان های مدیریتی و اقتصادی حاکم و ناظر بر اداره امور کشور، و یا اخلال در روند عادی وظایف آنها بوده است (مانند انحلال سازمان مدیریت و برنامه ریزی، تعطیلی کار شورای پول و اعتبار، تعویض شورای بورس، تسلط بر فزه رنگستان، هیئت نظارت بر مطبوعات و غیره). افزون بر اینها، بی اعتنائی به قانونها و مقررات تدوین بودجه سالانه کشور، مهلت برای تدوین و ارائه بودجه سالانه و برنامه پنجساله، الزام های قانونی در پاسخگوئی به گزارش های سازمان بازرسی کل کشور، دیوان محاسبات، گزارش های کمیسیون اصل ۹۰ مجلس و نیز به پرسش های مراجع بین المللی درباره دهها موضوع که ایران با پیوستن به مقابله نامه ها و عهدنامه های بین المللی ملزم به رعایت آنها بوده است، خود نشانه خودسری و خودمحوری عده ای است که ملت و میهن ما و کلیه ثروت های مادی و معنوی آن را ملک خصوصی خود تصور میکنند و خودرا در برابر هیچکس پاسخگو نمی بینند. (بودجه سال ۱۳۸۹ با ۷۵ روز تأخیر تقدیم مجلس شد که فرصتی برای بررسی دقیق و کارشناسی آن باقی نگذاشت.)

نتایج این بی بند و باری های داخلی در آمار و ارقام منتشر شده در مقیاس جهانی بازتاب یافته است و مایه شرمساری ملت ایران و شگفت زدگی فرهیختگان و آگاهان پیشینه تاریخی و فرهنگی مردم ایران شده است.

۱- سقوط متوسط سالانه ۱۶ پله ای جامعه و حکومت ایران از نظر فساد مالی در چهار سال گذشته در بین ۱۸۰ کشور جهان .

سال	رتبه ایران میان ۱۸۰ کشور امارات	عربستان	ترکیه	پاکستان
۲۰۰۸	۱۴۱			
۲۰۰۷	۱۳۱ ←	۴۲	۶۴	۱۳۸
۲۰۰۶	۱۱۳			
۲۰۰۵	۹۳			

منبع : صندوق بین الملل پول

با وجود اینکه رئیس دولت کنونی در روز معرفی کابینه خود به مجلس در سال ۱۳۸۴ از وجود فهرست ۲۵۰ نفری فاسدان اقتصادی در جیب خود خبر داد، و با وجود آنکه کمیسیون اصل نود در سال ۱۳۸۷ بیش از ۵۳ پرونده فساد اقتصادی را که در دوره دولت کنونی روی داده است برای سران سه قوه ارسال داشت، هیچ اقدامی اساسی علیه فاسدان اقتصادی که میلیاردها دلار ثروت های ملی را غارت کرده اند صورت نگرفته است . بیش از ۴۹ هزار میلیارد تومان (حدود ۴۹ میلیارد دلار) اعتبارات اخذ شده از بانک ها که غالباً بدستور مقامات سیاسی و تبانی مقامات بانکی واگذار شده و امروز نام مطالبات معوق گرفته و تلف شده تلقی می شود، بخش دیگری از فساد مالی حاکم بر کل ساختار اقتصادی میباشد . خروج یک فقره ۱۸/۵ میلیارد دلاری طلا و ارز از کشور با کامیون و ورود پسر و صدای تلویزیونی آن به ترکیه، فقط یک نمونه کشف شده آن است . این در حالی است که مردم عادی و واحدهای تولیدی کشور بطور آزاد و رقابتی به منابع مالی و نقدینگی بانکها دسترسی ندارند و فقط عده ای از خواص وابسته به مراکز قدرت بدهی های میلیاردها تومانی به بانک ها را بوجود آورده اند . در یک مورد، سیزده میلیون یورو از حساب ذخیره ارزی به شرکتی داده شده که هرگز وجود خارجی نداشته است .

۲- سقوط آزادی محیط کسب و کار:

طبق گزارش بنگاه پژوهشی کانادایی فریزر، در مورد شاخص های آزادی اقتصادی در میان ۱۴۱ کشور جهان، ایران از سال ۲۰۰۷ تا ۲۰۰۹، با ۱۱ پله سقوط از ردیف ۱۰۱ به ۱۱۲ تنزل یافته است . این شاخص بر مبنای پنج متغیر کلیدی زیر محاسبه می شود:

- (۱) حجم و اندازه دولت .
- (۲) ساختار قانونی امنیت حقوق مالکیت .
- (۳) دسترسی به نقدینگی .
- (۴) آزادی بازرگانی خارجی و قانونهای مالی .
- (۵) بازار کار و بازرگانی .

۳- سقوط رشد اقتصادی:

طبق گزارش صندوق بین المللی پول و بانک مرکزی ایران، از زمان روی کار آمدن دولت کنونی ( در ۵ سال ۸۸-۱۳۸۴)، دولت با وجود داشتن ۳۳۵/۳ میلیارد دلار درآمدهای نفتی، شامل ۱۳۵ میلیارد دلار درآمد افزون بر بودجه و برنامه پنجساله، درصد رشد اقتصادی کشور پیوسته سیر نزولی داشته است .

سال	درصد	گزارش بانک مرکزی (۱)
۲۰۱۰	۲/۲	۱۳۸۷ (سه ماهه دوم) ۲/۳
۲۰۰۹	۱/۹	۱۳۸۶ ۶/۹
۲۰۰۸	۲/۵	
۲۰۰۷	۷/۸	

(۱) گزارش مرکز پژوهشهای مجلس، رشد اقتصادی سال ۱۳۸۸ را صفر در صد اعلان کرده است .

هزینه کردن بی بند و بار درآمدهای نفتی توسط دولت برای مخارج جاری و مصلحتی، سه برابر شدن کسری بودجه، آزاد گذاری واردات، عدم اقدام برای رویارویی با بحران مالی و اقتصادی جهانی، عامل بی دفاعی اقتصاد ایران در برابر تحولات اقتصادی جهانی و سیر نزولی رشد اقتصادی شناخته شده است.

#### ۴ - سقوط ورود سرمایه های خارجی (واقعی بیرون از بخش نفت و گاز که حتی در صورت تحقق یک دهه وقت می خواهد):

طبق گزارش انکتاد (کنفرانس سازمان ملل برای تجارت و توسعه) در سال ۲۰۰۸ در جهان ۳۱۶ میلیارد دلار سرمایه گذاری خارجی انجام گرفته که فقط ۱/۵ میلیارد دلار آن عاید ایران شده است. ترکیه ۱۲ برابر ایران، امارات ۹ برابر ایران، قطر ۴ برابر ایران و لبنان ۲/۴ برابر ایران سهم بوده اند. عربستان با جذب ۳۸ میلیارد دلار، ۲۴ برابر ایران، خود را برای رقابت در سطح جهانی آماده می کند. فرانسه، چین و اسپانیا با جذب ۲۸۹ میلیارد دلار، بیشتر سرمایه های جهانی را جذب کرده اند و سرمایه گذاری خارجی ایالات متحده ۱۳ درصد رشد داشته است. این ناچیز بودن ورود سرمایه های خارجی که حاصل رفتارهای نادرست سیاسی و اقتصادی و شیوه مدیریت اقتصادی نسبت به مقیاس جهانی بوده است، در حالی است که بنا به گفته وزیر جدید نفت ایران، تنها در بخش نفت و گاز به ۴۵ میلیارد دلار سرمایه خارجی نیاز است. قانونهای شفاف، آسانی داد و ستد و آزادی فضای کسب و کار و عرضه رقابتی فرصت های سرمایه گذاری و نرخ تورم پایینی از عوامل مساعد جذب سرمایه های خارجی شناخته شده است.

#### ۵ - تورم دائمی و فزاینده:

یکی از عوامل مساعد جذب سرمایه های خارجی، نرخ تورم پایین (کمتر از ۳/۴ درصد) است. در ایران، در سال ۲۰۰۸، نرخ تورم ۲۵/۴ درصد و در سال ۲۰۰۷ معادل ۱۸/۴ درصد گزارش شده است. آمار زیر و وضعیت تورم در دوره دولت کنونی را نشان میدهد. (گزارش های صندوق بین المللی پول، بانک مرکزی ایران و منابع مستقل)

سال	نرخ تورم بانک مرکزی	صندوق بین المللی پول	منابع پژوهشی مستقل
۲۰۱۰ (۱۳۸۹)	۱۸/۱	۱۰	۲۰/۹
۲۰۰۹ (۱۳۸۸)	۱۷/۵	۱۲	۱۹/۸
۲۰۰۸ (۱۳۸۷)	۲۵/۴	۲۵/۴	۲۷/۲
۲۰۰۷ (۱۳۸۶)	۱۸/۴	۱۸/۴	۲۲/۱
۲۰۰۶ (۱۳۸۵)	۱۱/۹		۲۰/۵

نرخ تورم ذکر شده، جدا از تورم ناشی از اجرای قانون حذف یارانه ها است، که حداقل ۱۵ درصد به نرخ های پیش بینی شده برای سال ۱۳۸۹ اضافه می کند؛ یعنی حداقل تورم در سال ۱۳۸۹ حدود ۴۶ درصد خواهد بود که به معنای فرو بردن میلیون ها نفر دیگر به زیر خط فقر است.

#### ۶ - بیکاری فزاینده مشوق رواج ناامنی، اعتیاد و پر شدن زندانها:

ناتوانی دولت در ایجاد اشتغال کافی ناشی از فرار سرمایه ها و استعدادهای کمبود کار مولد، عدم ورود سرمایه های خارجی، و بی فایده بودن همه وعده ها و برنامه های گول زننده و تبلیغاتی، مانند وام های خوداشتغالی، تعاونی، زود بازده و غیره، نرخ بیکاری را پیوسته بالاتر از ۱۰ درصد نگاه داشته است. اگر نیروی کار واقعی را مانند سایر کشورها حدود ۵۰٪ جمعیت در سن کار بدانیم، بیش از چهار میلیون نفر در کل کشور بیکارند. ویژگی بارز بیکاران در ایران، جوان بودن، زن بودن، تحصیل کرده بودن و متمرکز بودن در شهرها شناخته شده است.

سال	رشد در صد بیکاری برآورد دولت	درصد بیکاری منابع تخصصی مستقل
۱۳۸۳	۱۰/۳	۱۵/۶
۱۳۸۴	۱۲/۱	۱۴/۷
۱۳۸۵	۱۲/۱	۱۵/۵
۱۳۸۶	۱۰/۶	۱۶/۰
۱۳۸۷	۱۰/۴	۱۴/۶
۱۳۸۸	۱۱/۴	۱۴/۶
۱۳۸۹	۱۱/۹	۱۵/۰

#### ۷- سقوط شاخص رشد بهره وری کل عوامل تولید (کار، سرمایه و مدیریت):

سقوط شاخص رشد بهره وری عوامل کار، سرمایه و مدیریت بهترین معرف رواج بی انضباطی و بی بند و باری در کل اقتصاد می باشد و بهترین دلیلی خودداری از سرمایه گذاری در ایران (فرار سرمایه) و در نتیجه عدم ایجاد اشتغال کافی در کشور است. بدون رشد بهره وری، هر گونه افزایش هزینه تولید (افزایش دستمزدها، ضروری از نظر دفع فشارهای تورمی بر بودجه خانوار) به معنای کاهش سود دهی فعالیت اقتصادی است.

سال	بهره وری نیروی کار ۱/۰ درصد	بهره وری سرمایه -۱/۰	بهره وری کل عوامل تولید ۰/۱
۱۳۸۵			
۱۳۸۶	۰/۷	-۱/۴	-۰/۳
۱۳۸۷	۰/۵	-۱/۶	-۰/۵
۱۳۸۸	۰/۲	-۱/۹	-۰/۷
۱۳۸۹	پیش بینی ۰/۵	-۱/۲	-۰/۳

کاهش سود دهی به معنای کاهش گرایش به سرمایه گذاری و، نتیجه آن، شکاف فزاینده میان عرضه و تقاضای نیروی کار، یعنی رواج بیکاری با همه پی آمدها و مفاسد اجتماعی آن، است.

#### ۸- بازی مجلس و دولت بر سر درآمد حاصل از حذف یارانه ها:

نمونه بارز بازی مجلس و دولت با افکار عمومی و تلف کردن وقت کشور، جریان تصمیم گیری بر سر میزان افزایش بهای حامل های انرژی در سال ۱۳۸۹ و در نتیجه پیش بینی میزان درآمد دولت از این محل است. صرف نظر از اینکه اصل لایحه اصلاحات ساختاری مورد نظر دولت در هفت بند، تقریباً دوسال پیش به مجلس ارائه شده بوده است (که بیشتر آن، مانند اصلاحات گمرکی، حذف چند صفر از جلو قیمت ها و غیره اصلاحات ساختاری اقتصادی نیستند)، یکی از بندهای آن هدفمند کردن یارانه ها است که پیشینه ای ده ساله دارد. این بند اکنون در جهت ایجاد درآمدهای جدی برای دولت و خرج آن مطابق سلیقه دولت، مورد توجه جدی دولت و اکثریت نمایندگان مجلس که در اختیار دولت هستند قرار گرفته است. با وجود اینکه در قانون مربوط، مجلس مبلغ بیست هزار میلیارد تومان را به عنوان سقف درآمد در سال ۱۳۸۹ تعیین کرد، دولت در بودجه خود ۴۰ هزار میلیارد تومان را پیش بینی کرد. از زمان ارائه لایحه بودجه ۱۳۸۹ در بهمن ماه، و حتی پس از تصویب بودجه، جنگ بر سر بیست هزار میلیارد تومان و چهل هزار میلیارد تومان، سی هزار میلیارد تومان و سی پنج هزار میلیارد تومان، و مدت اجرای اولیه یکسال، شش ماه و ۹ ماه، و تاریخ آغاز اجرا، همچنان ادامه دارد. اگر بحث های جنجالی پنج ماهه بر سر ایجاد حساب، ایجاد صندوق، اینکه در اختیار دولت یا جزو بودجه باشد یا نباشد، چگونگی نظارت و کنترل و روش هزینه درآمدها را نیز در نظر بگیریم، روشن می شود که کشور فاقد هرگونه ساختار علمی و منطقی تصمیم گیری در باره مسائل کلان اقتصادی است و مقامات بالای کشوری، صرفاً بر مبنای مقاصد سیاسی خود به خلق آمار و ارقام و اهداف تصمیم های مهم اقتصادی کشور می پردازند. در روزهای اخیر، دوباره در باره پیش بینی فنی ترین مسئله کارشناسی،

یعنی تورم در سال ۱۳۸۹، چندین نرخ تورم توسط افراد غیر کارشناس و غیرمسئول ذکر شده است که خود باز هم نشانه بی بند و باری مدیریت امور اقتصادی کشور است. در کلیه قانونهای لازم الاجراء کشوری، این بانک مرکزی ایران است که مسئول حفظ ارزش پول و ارائه نرخ تورم برای متغیرهای مختلف مربوط (مانند عمده فروشی، خرده فروش، کالاهای صادراتی، کالاهای وارداتی، تورم در تهران، تورم در شهرستانها، مصالح ساختمانی و غیره) بوده است. مرکز آمار ایران نیز وظایف تعیین شده خود را دارد. هر چند وظیفه حفظ ارزش پول با بی بند و باری دولت در هزینه پول و ایجاد کسر بودجه چند باره در سال و دست درازی به هر نوع موجودی و ذخیره و جابجایی درآمدها و هزینه ها، آن وظیفه نیز از بانک مرکزی سلب شده که تورم سالانه ۲۰ تا ۵۰ درصدی حاکم بر کشور بهترین نشانه آن است. بالاترین مقام اجرا یعنی کشور و عده داده که نرخ تورم را تا پایان سال جاری به صفر برساند، که این خود نشانه دیگر بی بند و باری دولت در اجرای قوانین، به ویژه قانون بودجه، و رشد ۳۳ درصدی انحراف عملکرد دولت از بودجه ۱۳۸۷ است که در ۷۲ درصد از بندهای آن بودجه روی داده است. موارد تخلف دولت از بودجه در سال ۱۳۸۶ به ۶۳۱ مورد می رسد. از نظر مبلغ، بیشتر تخلف ها در بخش نفت و گاز صورت گرفته و وزارتخانه های اقتصاد و کشور نیز سهم عمده ای در این تخلف ها داشته اند.

#### ۹- جوانان کشور در دام اعتیاد و مصرف مواد:

طبق آخرین گزارش های مراکز مسئول، سن اعتیاد در ایران به ۱۳ سال سقوط کرده است (هر چند که سالها مقام مسئول در وزارت آموزش و پرورش داشتن دانش آموز معتاد را تکذیب می کرد). سالانه دستکم شش هزار میلیارد تومان بابت مصرف مواد مخدر هزینه می شود (به گفته دبیرکل ستاد مبارزه با مواد مخدر). تعداد معتادان واقعی کشور از ۱/۲ میلیون نفر تا ۴ میلیون نفر برآورد شده است، طبق نظر مقامات مسئول، روزانه حدود ۹ تن مواد مخدر وارد کشور می شود که فقط یک سوم آن (۲ تا ۳ تن) کشف میشود. در تمام کشورها بیکاری عامل اصلی و اولیه سقوط به دره اعتیاد و آغاز بزهکاری های کوچک و بزرگ، و سرانجام ارتکاب جنایت و جرم های بزرگ شناخته شده است. پر شدن زندانها، سرکیسه کردن خانواده های غالباً فقیر زندانیهای مواد مخدر، مقاطعه دادن نگهداری از زندانی ها، بیخون ریختن زندانیها، یا ساختن زندانهای جدید، هیچ کدام راه حل کاهش اعتیاد نیست. ایجاد شغل مفید و مولد در اقتصادی شکوفا، در پیوند با اقتصاد جهانی، ایجاد امید و آرزو و انگیزه و روحیه نشاط و شادی در جوانان، فراهم سازی امکانات آموزشی و ورزشی مناسب و در دسترس، ایجاد مبستگی های اجتماعی، تشویق ایجاد سازمانها و نهادهای مردمی جوانان توسط خود آنان همراه با ایجاد شغل مولد و درآمد برای آنان راه های شناخته شده کاهش نرخ اعتیاد است.

#### ۱۰- سقوط سطح مدیریت و اعتبار اخلاقی دولت:

غیر از آقای رئیس جمهور که در همه امور و رشته ها تخصص دارند و طبق نوشته روزنامه ها نیازی به مشاوره با کارشناسان و مراکز علمی و حتی مراکز مسئول دولتی را احساس نمی کنند، مقامات دولتی؛ از بالاترین سطوح (وزیران، استنادران، سفیران) تا سطح اداره ها در شهرهای کوچک، عموماً پنج ویژگی مشترک پیدا کرده اند: ۱- فقدان سابقه اداری و سازمانی در پست و سمت (بی ریشه بودن مقامات، فقدان اعتبار و غرور شغلی و حرفه ای)، ۲- نامربوط بودن پست و مقام داده شده با شرایط احراز شغل و نیازهای علمی و تخصصی شغل، ۳- سیاسی کاری و ماکیاولی کار کردن، فقدان صداقت در گفتار و کردار (دست به سر کردن مردم، رد کردن مردم و گذراندن روز، ۴- بند و بست چی بودن، یعنی استفاده از شغل و مقام برای پول و مال رسانی به اطرافیان و شریکان سیاسی، و ۵- بی اعتنائی به

قانون‌های موجود و لازم‌الاجراء ، و آئين نامه سازى و دستورالعمل سازى براى تحميل نظرات خلاف قانون به مردم.

اخبار مربوط به جعلى بودن مدارك تحصيلى، سوابق تحصيلى، زمان تحصيل، کشور محل تحصیلى، جعل عناوين تحصيلى و تخصصى (عناوين مهندس و دكتور) تسليم نكردن مدارك تحصيلى، (رسوائى هاى ناشى از نداشتن سواد فارسى و غلط خواندن سخنرانى هاى تهيه شده، بى تربيتى در رفتار و بى ادبى در برخوردها، سفرها، ژست هاى نابجا و خنده هاى ساختگى و، بالاتر از همه، دروغگوئى، كه در مقباس جهانى منتشر شده، همراه با انتشار اخبار فساد گسترده مالى، حيثيت و اعتبار دولت و حكومت را خدشه دار كرده است . اكنون در ذهن مردم ايران ، نه تنها مجلس و دولت بازيچه دست سياست بازان است، بلكه قوه قضائيه نيز كه بايد نماد عدالت و حق يابى و پاسدار حقوق و آزاديهاى مردم باشد خود به بى خاصيت ترين دستگاه حكومتى تبديل شده است.

جبهه ملى ايران، مانند هميشه وظيفه دارد كه آگاهى هاى كارشناسانه لازم را به ملت بزرگ ايران و هئدارهاى لازم را به حاكميت بدهد كه اين راه كه مى رود فقط سقوط کشور را در پيش خواهد داشت.

**جبهه ملى ايران**  
پنجم خرداد ۱۳۸۹